پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران

تحلیل مقایسه‌ای یک فرم خاص در معماری دست‌کند مذهبی
(منطقه‌ی مرکزی ایران (شهرستان نایین) و سه اثر در شمال غرب)

مهدی سلطانی محمدی *
دانش آموخته‌ی مقطع کارشناسی‌ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه شهید بهشتی
mehdi.soltani225@gmail.com
میترا آزاد
استادیار دانشکده معماری و شهرسازی شهید بهشتی
* نویسنده‌ی مسئول

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2018.15032.1666
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۱۴
(از ص ۲۰۳ تا ۲۲۲)

چکیده
معماری دست‌کند از لحاظ کاربری دارای گونه‌هایی از قبیل مسکونی-استقراری، مخفیگاهی-پناهگاهی، تأسیساتی-زیرساختی و مذهبی-آیینی است. گونه‌ی مذهبی و با پیشینه‌ی طولانی این نوع معماری، در بناهای نیایشگاهی به‌کار رفته است که در مناطق مختلفی از ایران، پراکنده شده و در دوره‌های گوناگون تاریخی مورد استفاده و بهره‌بردای بوده‌اند. مسجد قدمگاه آذر شهر، امامزاده معصوم ورجوی مراغه و نیایشگاه دهکده‌ی صخره‌ای اباذر در شهرستان نیر، از نمونه‌های شناخته شده و موردتوجه محققان در گونه‌ی فضاهای دستکند نیایشی در منطقه‌ی شمال‌غربی ایران محسوب می‌گردند. در منطقه‌ی مرکزی ایران، شش اثر در محدوده‌ی جغرافیایی شهرستان تاریخی نایین، شامل: مساجد دست‌کند علی‌آباد و مصلی در شهر بافران، بخش‌های زیرزمینی مسجد سرکوچه‌ی محمدیه و فضای زیرزمینی مساجد جامع شهرهای نایین، بافران و نِیستانک، در زمره‌ی نمونه‌های غنی و با ارزشِ این گونه‌ی معماری دستکند، در کشور به‌شمار می‌روند. براساس بررسی‌های صورت‌گرفته، تاکنون کمتر پژوهشی را می‌توان یافت که به مطالعه و بازخوانی این آثار، پرداخته باشد؛ لذا پژوهش حاضر، برای نخستین‌بار با هدف ارائه‌ی تحلیلی مقایسه‌ای-تطبیقی و هم‌چنین بیان وجوه شباهت و افتراق معماری دستکند استفاده شده در این فضاهای نیایشیِ متعلّق به دو منطقه‌ی جغرافیایی متفاوت، انجام گرفته است. روش پژوهش کتابخانه‌ای-میدانی و روش تحقیقِ پژوهش تحلیلی-توصیفی است. با مطالعات صورت‌گرفته و تحلیل مقایسه‌ای بین سه اثر دستکند منطقه‌ی شمال‌غرب با شش نمونه‌ی دستکند در منطقه‌ی مرکزی (شهرستان نایین) آشکار شد که می‌توان قائل به یک فرم خاص معماری دستکند مذهبی در آثار مورد مقایسه بود. گونه‌ی معماری دست‌کند زیر زمینی، الگوی شکلی-فضاییِ خطی در امتداد یک محور طولی، گردش حرکتی منطبق بر محور اصلی و تأکید بر اهمیت فضای انتهایی در چیدمان فضایی سلسله‌مراتب کالبدی، از خصوصیات این فرم مشترک به‌شمار می‌آیند. وجه افتراق این آثار درشکل داخلی آن‌هاست که سه اثر منطقه‌ی شمال‌غرب دارای پلانی مدوّر و فضای گنبدی‌شکل با خطوط منحنی هستند، درحالی‌که در آثار منطقه‌ی مرکزی، پلانی مستطیل‌شکل با فرم و فضای مسطح و راست‌گوشه استفاده شده است.

کلیدواژگان: معماری دست‌کند، نایین، آذربایجان، فضای نیایشی، تحلیل مقایسه‌ای-تطبیقی.

مقدمه

معماری دست‌کند، حاصل مبارزه و تقابل انسان با طبیعت سخت و خشن به‌منظور ایجاد سرپناه ورفع نیازهای خود است. در معماری دستکند، خاک طبیعی، کالبد اصلی فضاهای ایجاد شده است و سایر مصالح نقش کمتری دارند و شکل فضاها عکس‌العمل طبیعی عملکرد آن‌هاست و تغییرات ایجاد شده توسط انسان برای برآوردن نیازهایش می‌باشد. حفاظت در برابر بارش و سرمای شدید مناطق کوهپایه‌ای در زمستان و دمای مطبوع در تابستان‌ها در کنار سایر عوامل اعتقادی، اقتصادی و... بی‌تردید از عوامل مؤثر در شکل‌گیری این گونه‌ی معماری در مناطق مختلف است؛ همین امر عاملی برای برقراری تعادل دما در برابر تغییرات دمایی شبانه‌روز در طول فصول مختلف سال است (محمدی‌فر و همتی‌ازندریانی، ۱۰۱:۱۳۹۵). این نوع معماری برخلاف معماری برپا که پیکره‌ی اصلی شهرهای تاریخی را تشکیل می‌دهد و امروز شناخته شده است کمتر در معرض دید همگان قرار دارد و خود چشم‌انداز دیگری از میراث به‌جای‌مانده از این شهرها محسوب می‌شود. از این میان، -معماری دستکند مذهبی- به‌عنوان یکی از کهن‌ترین نمونه‌های این معماری محسوب می‌گردد که در نقاط مختلف کشور مورد استفاده بوده است. سه اثر مسجد قدمگاه آذر شهر، امامزاده معصوم ورجوی مراغه و نیایشگاه دهکده‌ی صخره‌ای اباذر در منطقه‌ی شمال‌غرب از شناخته‌شده‌ترین و درواقع معروف‌ترین نمونه‌های معماری دستکند مذهبی-آیینی کشور محسوب می‌شوند که موردتوجه و مطالعه‌ی اکثر محققان این حوزه بوده است. معماری دستکندِ منطقه‌ی مرکزی ایران در شهرستان نایین دارای نمونه‌های با ارزشی در سطح کشور می‌باشد[1]؛ علاوه‌بر این، بعضی از آثار مورد مطالعه، مانند: مسجد جامع نایین و مسجد سرکوچه‌ی محمدیه در زمره‌ی مساجدی قرار می‌گیرند که همواره در دایره‌ی مطالعات مربوط به بررسی سیر تاریخی معماری ایران موردتوجه بوده‌اند. اکثر نمونه‌های مورد بررسی در شهرستان نایین تاکنون مورد پژوهشی علمی و مستقل قرار نگرفته‌اند و در این پژوهش برای نخستین‌بار بازشناسی و مطالعه می‌شوند. در راستای اهداف، که بیان وجوه شباهت و افتراق معماری دستکند استفاده شده در این فضاهای نیایشیِ متعلّق به دو منطقه‌ی جغرافیایی متفاوت، است؛ پژوهش به دو بخش مجزا و در عین‌حال مکمّل یکدیگر تقسیم شده است. در بخش اول با مطالعات و برداشت‌های میدانی و کتابخانه‌ای ابتدا آثار دو منطقه مورد مطالعه و واکاوی قرار می‌گیرند. بخش تطبیقی و بررسی مقایسه‌ای، براساس داده‌ها و مواد خام به‌دست آمده از بخش اول و از طریق تحلیل‌هایِ نظریِ مبتنی‌بر قیاس و استدلال منطقی و تحلیل محتوایی انجام می‌گیرد.

روش تحقیق: تحلیل‌های صورت‌گرفته در پژوهش حاضر براساس روش تحلیلی-توصیفی است. به‌منظور گردآوری داده‌ها و اطلاعات اولیه از روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است؛ که از آن میان، می‌توان به مطالعات اسناد، کتاب‌ها و مقالات مورد نیاز اشاره کرد. ولی بخش دیگر، تلاش‌های نگارنده، مانند برداشت پلان و مقاطع از دو مسجد براساس مطالعات میدانی است. نقشه‌های سایر بناها نیز از داده‌های اداره میراث‌فرهنگی است که در برخی موارد توسط نگارنده اصلاحاتی برروی آن‌ها صورت‌گرفت. پژوهش حاضر، سعی در بررسی و مقایسه‌ی تطبیقی معماری دستکند به‌کار

رفته در بناهای مذهبی منطقه‌ی مرکزی ایران (شهرستان نایین) با سه بنای دستکند منطقه‌ی شمال‌غرب ایران را دارد؛ بدین‌منظور، ابتدا پلان و مقاطع دو دستکند مذهبی در شهرستان نایین (مساجد علی‌آباد و مصلی) که هیچ نقشه‌ای از آن‌ها در دست نبود با مترهای لیزری و چرمی برداشت و سپس در نرم‌افزار ترسیمی پیاده و ترسیم شدند. فرآیند تحلیل نیز، براساس مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای صورت‌گرفت.

سؤالات و فرضیات: با توجه به رویکرد و روش تحقیق انتخاب شده، سؤالات پژوهش حاضر را می‌توان بدین‌گونه عنوان کرد: آثار مورد مطالعه در منطقه‌ی مرکزی و شمال‌غرب چه خصوصیات و ویژگی‌هایِ کالبدی-معماری دارند؟ مؤلّفه‌های مشترک فرم خاصِ معماری دستکندِ مذهبی به‌کار رفته در آثار این دو منطقه کدامند؟ وجه افتراق این فرم در آثار مورد مقایسه شامل چه مؤلّفه‌ای می‌گردد؟

پیشینه‌ی پژوهش

سه اثر منطقه‌ی شمال‌غرب از شناخته‌شده‌ترین و درواقع معروف‌ترین نمونه‌های معماری دستکند مذهبی-آیینی کشور محسوب می‌شوند که موردتوجه و مطالعه‌ی اکثر محققان این حوزه بوده است؛ البته عمده‌ی این مطالعات، مانند میرفتاح و شکاری‌نیری (۱۳۷۵)، ورجاوند (۱۳۵۱؛ ۱۳۵۳)، شجاع‌دل و علیپور (۱۳۸۴)، احمدی (۱۳۷۹)؛ و... از مرحله‌ی توصیف فراتر نرفته‌اند. در مقاله‌ای لباف‌خانیکی (۱۳۹۱) این سه اثر را با میترانیوم‌های رومی مقایسه کرده و در انتها نتیجه گرفته که تا زمان پیدا شدن سازه‌ای که ویژگی‌های معماری معابد مِهری و سند قطعی از پرستش مِهر را یکجا در خود جای‌داده باشد، لازم است از مِهری خواندن این فضاها با احتیاط سخن گفت. از ۶ نمونه‌ی دستکند منطقه‌ی مرکزی مساجد علی‌آباد و مصلی نقشه‌های آن‌ها برای نخستین‌بار ارائه می‌شود. در مورد مساجد جامع بافران و نیستانک گزارش ثبتی آن‌ها به‌عنوان تنها مدرک قابل‌استناد محسوب می‌شود که در دفتر فنی میراث‌فرهنگی اصفهان موجود است. مساجد جامع نایین و سرکوچه‌ی محمدیه در برخی منابع مطالعات معماری ایران مورد بحث و اظهار نظر بوده‌اند؛ در این منابع، فقط مسجد در تراز بالایی مورد مطالعه بوده و به فضای زیرزمینی آن‌ها تنها اشاره شده است.

واژه‌شناسی

الف. معماری دستکند: در زبان انگلیسی اصطلاح معادل دستکند، Man made cave است؛ و واژه‌ی Trogloditic برگرفته از اصطلاح مشابه فرانسوی آن، یعنی Troglodytiqe مفهوم جامع‌تری را دربر می‌گیرد. این واژه در اصل، یونایی است و به‌معنی «نفوذ کردن در داخل چیزی» است؛ بدین‌ترتیب، واژه‌ی Troglidytic Architecture را می‌توان معماری نفوذیافته در درون حفره معنا کرد. در ایران، واژه‌ی عامی که برای این نوع معماری به‌کار برده می‌شود، واژه‌ی «دستکند» است. منظور از «دستکند» کلیه‌ی آثار معماری است که در دل تپه یا زمین کنده می‌شود؛ درواقع، واژه‌ی مورد بحث واژه‌ی نوپایی است که -چه بسا بیش از دیگر واژه‌ها- تعریفی نسبتاً کامل از این گونه آثار به‌دست دهد. این واژه از یک‌طرف بیانگر فعل «کندن» است که در فرهنگ فارسی معین به «حفر کردن زمین

و مانند آن» معنی شده است؛ و از طرفی با اضافه‌شدن پیشوند «دست» به آن، بر عمل کندن به‌وسیله‌ی انسان تأکید دارد. اگر معماری را به‌مفهوم عام، یعنی -هنر ساماندهی و محصور کردن فضای خالی- بنامیم، معماری دستکند در تعریفی متفاوت، «هنر خالی کردن درون توده‌پُر»، معنا می‌شود (اشرفی، ۱۳۹۰: ۲۷).

این نوع معماری از لحاظ کاربری دارای گونه‌هایی از قبیل مسکونی-استقراری، مخفیگاهی-پناهگاهی، تأسیساتی-زیرساختی و مذهبی-آیینی است.

ب. گونه‌ی، معماری دست کند مذهبی - آیینی: معماری دست‌کند به‌عنوان یکی از انواع معماری بشر، نشانگر تلاش و کوشش انسان به‌منظور هماهنگی و سازگاری با محیط پیرامون و رفع نیازهایش است. علل و پیدایش این نوع معماری ریشه در شرایط جغرافیایی و اقلیمی در بستر اوضاع فرهنگی، سیاسی اجتماعی و اقتصادی هر منطقه دارد. از این‌میان، عوامل مذهبی و آیینی یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها محسوب می‌گردند. بشر از کندن و ایجاد فضا در دل صخره‌ها اهداف گوناگونی را دنبال می‌نموده است. انتخاب صخره‌ها در کوهستان‌ها یا دل زمین به‌عنوان مکان مقدس و پاک، جایگاه خاصی در تمامی ادیان بشری و اهمیت قابل‌ملاحظه‌ای در میان مردم داشته است که همین‌امر سبب شده تا گاهی آثار معماری دستکند و صخره‌ای با جنبه‌های اعتقادی و دینی بشر پیوند عمیق داشته باشد. از دیگر جنبه‌های آیینی، کاربرد این گونه‌ی معماری در ایجاد فضاهای آرامگاهی است که با توجه به موقعیت قرارگیری آن در ارتفاعات و عدم دسترسی آسان، نقش عملکردی معماری دستکند در حفظ آرامگاه‌ها از دسترس عابرین مشهود می‌باشد (محمدی‌فر و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۵: ۱۰۲). فضاهای نیایشگاهی، فضاهایی هستند که در ادوار خاصی مورد استفاده اقلیت‌های دینی و یا پیروان مذهب قرار می‌گرفتند. ویژگی‌های منحصر به‌فرد این فضاها، سکوت و آرامش حاکم بر آن‌ها، تاریکی و ابهام مسلّط بر فضا و وجود اعتقاداتی مبنی بر ارتباط فضاهای زیرزمینی با مبدأ آفرینش، فضای مقدسی را شکل می‌داد که پیروان ادیان مختلف را به این مکان‌ها جلب می‌کرد (همایون، ۱۳۵۴).

موقعیت قرارگیری آثار مورد مطالعه در تقسیمات سیاسی کشور

شهرستان تاریخی نایین واقع در منطقه‌ی مرکزی ایران در ۱۴۰ کیلومتری شرق اصفهان قرار گرفته است. در سطح شهرستان نایین و براساس تقسیمات کشوری در شهرهای نایین یک نمونه، بافران سه نمونه، نیستانک یک نمونه و یک نمونه نیز در روستای محمدیه واقع‌شده‌اند. نمونه‌های منطقه‌ی شمال‌غرب کشور نیز در استان اردبیل و شهرستان نیر یک نمونه و دو نمونه نیز در استان آذربایجان شرقی در شهرهای آذرشهر و مراغه قرار گرفته‌اند (نقشه ۱).

شناخت کالبدی-معماری آثار دست‌کند نیایشی در منطقه‌ی مرکزی ایران (شهرستان نایین)

فضاهای دستکند علی‌آباد و مصلی در شهر بافران به‌عنوان مسجدی مستقل شناخته می‌شوند. دستکندهای نیایشیِ زیرزمینی در مساجد جامع شهرهای نایین، بافران و

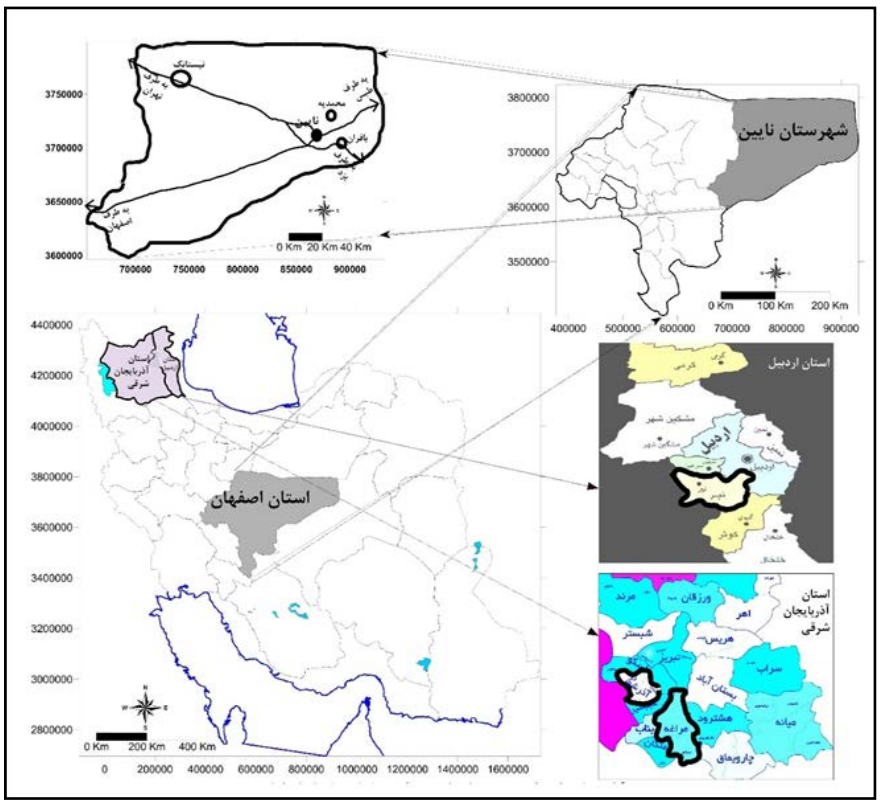

◄ نقشه ۱. موقعیت قرارگیری نمونه‌های موردمطالعه در منطقه‌ی شمال‌غرب در استان‌های آذربایجان، اردبیل و نقاطی از شهرستان نایین در استان اصفهان واقع‌شده در منطقه مرکزی (نگارندگان).

نیستانک و مسجد سرکوچه‌ی محمدیه، به‌همراه سایر اندام‌های مسجد در تراز بالایی جزو یکی از بخش‌های مسجد محسوب می‌گردند (جدول ۱).

فضای دستکند مسجد جامع بافران

مسجد جامع بافران با سبک دو ایوانی و مناره‌ی خشتی جزو مساجد قرون چهارم تا پنجم محسوب می‌شود (جدول ۱). ورودی و پله‌های فضای زیرین این مسجد در دالان ورودی واقع‌شده و بخش‌هایی از آن در زیر حیاط قرار گرفته است. این فضا که مشتمل بر دو بخش می‌شود، برخلاف جهت قبله در دل خاک رُس کنده شده و امروزه با گچ سفید اندود شده است. بعد از ورودی و پله‌ها بخشی واقع‌شده که توسط دالانی به فضایی هشت‌ضلعی منتهی می‌گردد که با تاق کلمبوی کم‌خیزی و هورنوی میان آن پوشش یافته است. ساختار کالبدیِ این بخش مشابه شبستان زیرزمینی مسجد جامع محمدیه (قرن چهارم) طراحی شده که با الگوی متمرکز و نظم هندسی دارای مرکزیت منسجم بوده و در پیرامون آن تعدادی از فضاهای فرعی آرایش یافته‌اند. بخش دوم، موازی این فضا با ساختار خطی در امتداد یک محور طولی طراحی شده است. پیش تالار، تالار میانی و تالار انتهایی فضاهای این بخش را تشکیل می‌دهند که توسط دالان‌های کم‌عرضی به یکدیگر متصل می‌شوند (نقشه ۲).

دو بخش زیرزمینی مسجد سرکوچه‌ی محمدیه

طرح خاص این مسجد مشتمل بر دالانی برخلاف جهت قبله است که در میان آن

جدول ۱. ارزیابی نقشه‌ی دستکندهای نیایشی در نایین که به‌همراه مسجد در تراز بالایی جزئی از بخش‌های مسجد محسوب می‌گردند (نگارندگان). ◄

نام مسجد	نقشه مسجد در تراز بالای فضاهای دستکند	فضاهای دستکند زیرزمینی مسجد	تصویر
جامع بافران	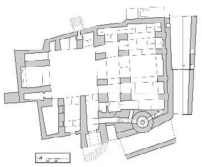	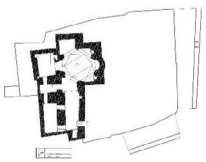	
جامع نیستانک		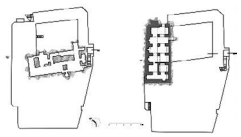	
جامع نایین		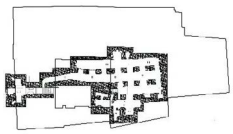	
سرکوچه	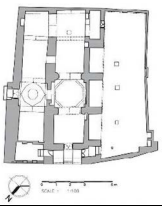	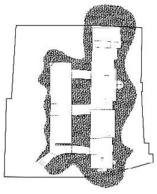	

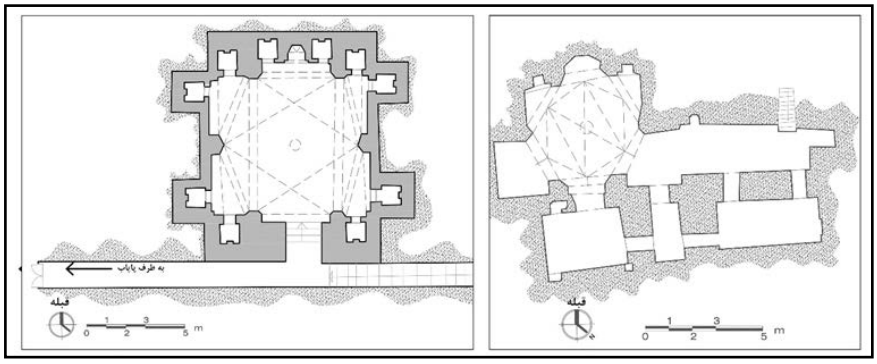

نقشه ۲. سمت راست: ارزیابی دو بخش فضای زیرین مسجد جامع بافران براساس پلان (دفتر فنی میراث‌فرهنگی اصفهان، تصرفات از نگارندگان)؛ سمت چپ: نقشه‌ی شبستان زیرزمینی مسجد جامع محمدیه مشابه طرح کالبدی بخش گنبددار هشت‌ضلعی فضای زیرزمینی این مسجد (نگارندگان). ◄

گنبدی قرار گرفته است[۲] و در دوره‌های مختلف بخش‌هایی به آن الحاق می‌شود (جدول ۱) (زمرشیدی، ۱۳۷۴: ۵۳). تاریخ کتیبه‌های خط کوفی مسجد ۴۶۹ هـ.ق. می‌باشد (قوچانی، ۱۳۷۵: ۱۴۰). مسجد دارای دو بخش زیرزمینی با کیفیات فضایی متفاوت و دو ورودی جداگانه و مستقل بوده که با راهروهایی به یکدیگر متصل شده‌اند. بخش جنوبی در زیر مهتابی مسجد کنده شده و نورگیری آن با سنگ‌های مرمر واقع‌شده برروی روزنه‌های سقف انجام می‌گیرد. ساختار کالبدی این بخش مشتمل‌بر پیش تالار، تالار میانی، تالار انتهایی و فضای متمایز شده در تالار انتهایی است. ورودی این فضای متمایز شده توسط یک ستون، به دو دهانه با تاق پایین‌تر از تاق تالار انتهایی تقسیم می‌شود (نقشه ۳). بخش دوم که زیر فضای اصلی مسجد (بخش کتیبه‌دار خطوط کوفی) و گنبد میان آن قرار گرفته، به‌شکل دالانی منفرد و متوالی طراحی شده است.

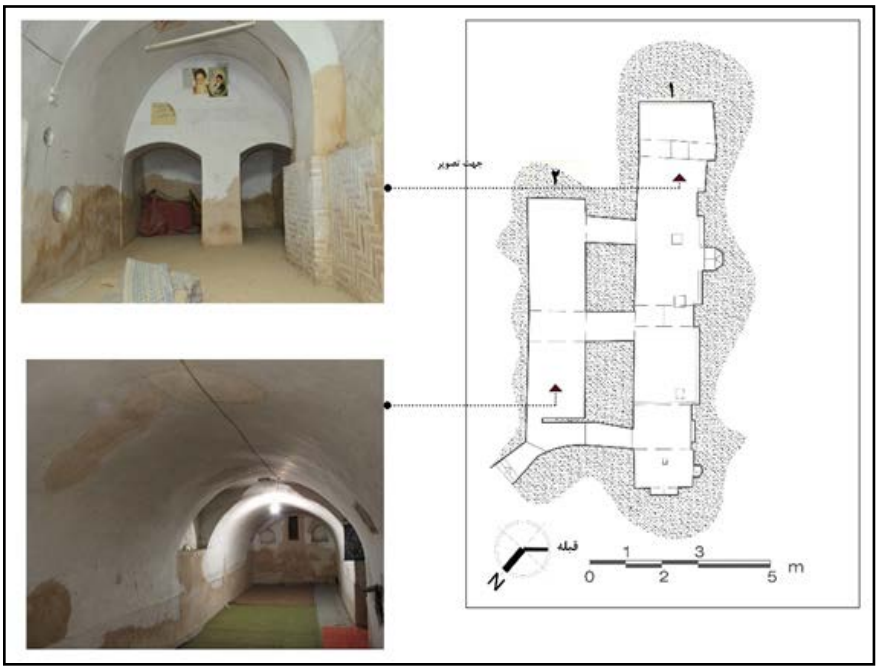

◄نقشه ۳. ارزیابی دو بخش دستکند زیرزمینی مسجد سرکوچه براساس پلان: ۱. بخش قرار گرفته در زیرمهتابی که در تالار انتهایی آن فضایی متمایز شده قرار دارد؛ ۲. بخش واقع‌شده در زیر دالان اصلی و گنبد مسجد به‌صورت فضایی منفرد (نگارندگان).

بخش زیرزمینی مسجد جامع نایین

مسجد جامع نایین از معدود مساجد اولیه‌ی شبستانی است که کمتر دستخوش تغییر شده و صورت اولیه‌ی خود را تا به امروز حفظ کرده است. براساس کاوش‌های باستان‌شناسی دهه‌های اخیر ساختمان اولیه‌ی مسجد در قرن دوم هجری احداث شده که شامل قسمت زیادی از مسجد فعلی بوده است (حاجی‌قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۰۸). تزیینات مسجد یادآور نقوش دوره‌ی ساسانی است (فلاری، اس، ۱۳۷۵: ۳۵). این گچبری‌های دقیق و پُرکار متعلق به‌شیوه‌ی رازی می‌باشد (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۱۲۷)، (جدول ۱). بخش زیرزمینی مسجد در زیر صحن و بخشی از شبستان شمال‌غربی قرار دارد، شکل کلی آن برخلاف محور قبله، با ستون‌های میانی است. ضلع سمت قبله به‌صورت فرورفتگی نیم‌هشت‌مانندی و نسبتاً با عمق زیاد از پیرامون متمایز شده است (نقشه ۴). جداره‌های دستکند در برخی نقاط با اندود گچ پوشانده شده و کف‌سازی آن با آجر صورت‌گرفته است. نورگیری فضا توسط روزن‌هایی که در سقف تعبیه شده‌اند؛ و از سوی دیگر، با صحن ارتباط دارند، انجام می‌شود. در کف صحن نیز در روی هریک از نورگیرها سنگ مرمری قرار گرفته است. از ورودی‌های سه‌گانه‌ی این بخش یکی در طی مرمت کشف شده و امروزه نیز مسدود است[۳]. ورودی مسدود شده در ضلع شمال‌شرق و مجاور کوچه قرار گرفته و مشتمل بر پله‌هایی است که با دو قسمت هم‌راستا ارتباط دارد. در قسمت سمت چپ فضاهایی متصل به‌هم تعبیه شده است. قسمت سمت راست به ساختاری چلیپایی‌شکل منتهی می‌گردد که به سایر فضاهای این بخش متصل است (نقشه ۴). راه‌پله‌ی جنوب‌شرقی صحن مسجد به پایاب منتهی می‌شود که در میانه‌ی آن یکی از ورودی‌ها قرار گرفته است. ورودی دیگر در کنار شبستان شمال‌غربی و مانند ورودی جنوب‌شرقی در داخل صحن واقع‌شده است.

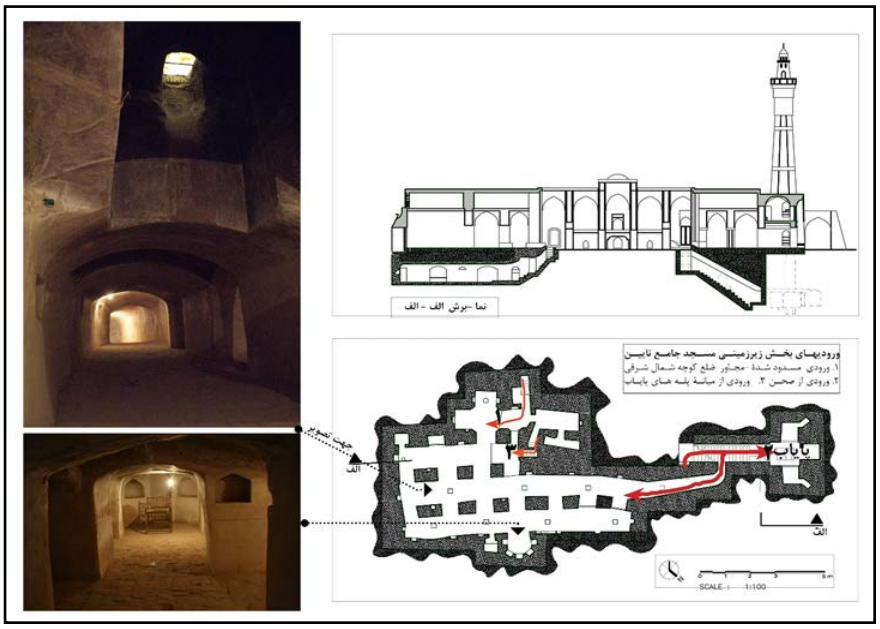

نقشه ۴. ارزیابی بخش زیرزمینی مسجد جامع نایین براساس پلان و یک نما-برش (دفتر فنی میراث‌فرهنگی اصفهان، تصرفات از نگارندگان).◄

بخش‌های زیرزمینی مسجد جامع نیستانک

براساس گزارش ثبتی دفتر فنی میراث‌فرهنگی اصفهان، قدمت مسجد به دوره‌ی ایلخانی می‌رسد (علی‌اکبریان و صدقی‌تبار، ۱۳۸۵: ۳). این مسجد دارای دو بخش زیرزمینی است. در شبستان جبهه‌ی شمالی بخش زیرینی، شامل دو دهانه با سه ستون میانی کنده شده است. طرح این زیرزمین ستون‌دار شبیه شبستان‌هایی است که از حدود قرن هشتم در منطقه‌ی یزد و نایین مرسوم شده و تا صفویه و قاجار نیز استفاده می‌شده است. فضای میانی به‌صورت کشیده و بسته در جهت قبله، محور اصلی را تشکیل می‌دهد و غرفه‌های کناری در فاصله میان ستون‌ها پدید آمده‌اند. از این نمونه سازماندهی فضایی در مساجد، می‌توان به شبستان زیر زمینی مسجد-مقبره‌ی باباعبدالله در نایین از آثار قرن هفتم، مسجد زیرک بیده میبد از دوره‌ی صفویه، شبستان قاجاری مسجد جامع محمدیه‌ی نایین و... اشاره کرد (نقشه ۵).

بخش دوم، در تراز پایین‌تری از بخش ستوندارِ هم جهت با قبله، و در قسمتی از زیر ضلع غربی (گنبدخانه) قرار گرفته است. این بخش با تفاوت در سازماندهی فضایی و ساختار کالبدی متفاوت به‌شکل فرم مستطیلی در خلاف محور قبله بوده که با میان فضاهایی به چند قسمت تقسیم می‌شود (نقشه ۶).

مسجد علی‌آباد[۴]

این مسجد به‌صورت دالانی کشیده با جهتی حدوداً شمال‌غربی-جنوب‌شرقی، برخلاف جهت قبله در امتداد یک محور طولی در خاک رُس کنده شده است[۵]. طول دالان از ورودی تا انتهای آن ۱۹/۸۸ متر و مساحت آن ۷۸ متر مربع است. ترکیب کالبدی بنا عبارتنداز:

کفشکن (پیش تالار): بعد از ورودی قرار گرفته و ۳۰ سانتی‌متر پایین‌تر از درگاه ورودی است که با پله‌ای به عرض ۵۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۳۵ سانتی‌متر به درون آن وارد می‌شویم. پیش تالار ۲/۷۵ متر طول دارد و پوشش آن تاق‌آهنگ است (نقشه ۷).

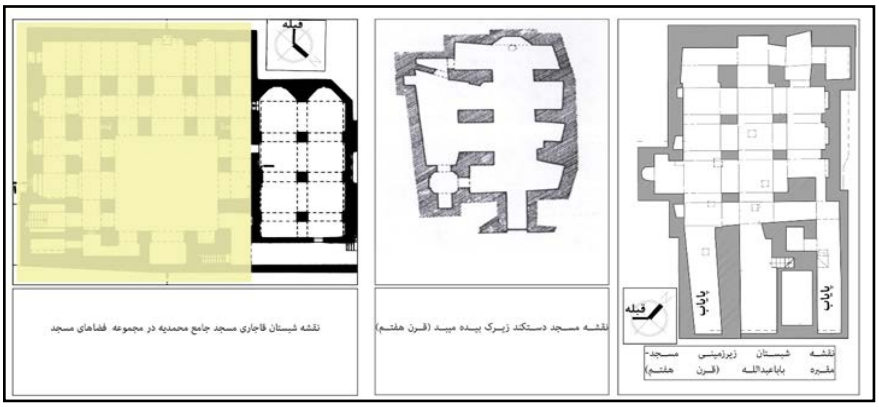

◄ نقشه ۵. ارزیابی سمت راست: نقشه‌ی شبستان زیرزمینی مسجد-مقبره باباعبدالله نایین (سلطانی‌محمدی، ۱۳۹۵: ۵۴)؛ وسط: نقشه مسجد زیرک بیده (آرشیو پایگاه پژوهشی میبد)؛ سمت چپ: نقشه‌ی شبستان قاجاری مسجد جامع محمدیه مشابه شبستان زیرزمینی قرن هفتمی مسجد جامع نیستانک (حاجی‌قاسمی، ۱۳۸۳: ۹۷).

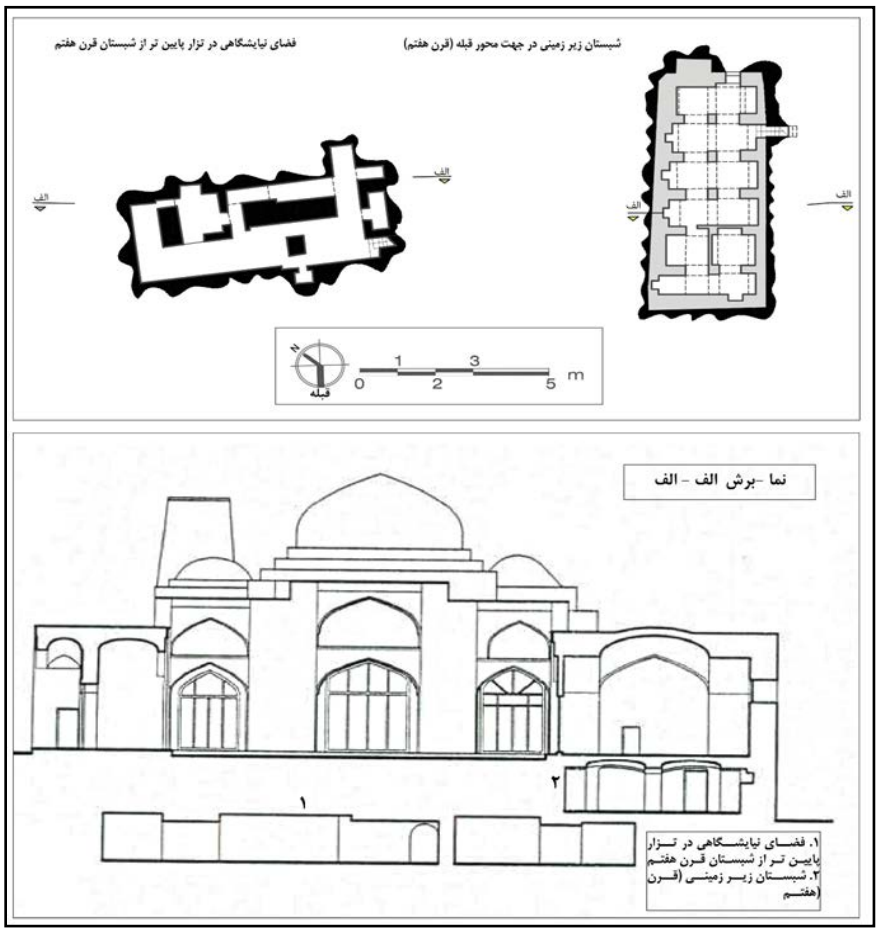

◄ نقشه ۶. ارزیابی بخش‌های زیرزمینی مسجد جامع نیستانک براساس پلان و یک نما-برش (دفتر فنی میراث‌فرهنگی اصفهان، تصرفات از نگارندگان).

فضای مجاور پیش‌تالار: این فضا با دو بخش است و امروزه به‌عنوان نمازخانه‌ی زنانه‌ی مسجد استفاده می‌شود. ورود به آن از سطح معبر با درگاهی به‌عرض ۹۶ سانتی‌متر صورت می‌گیرد. بخش اول، شامل فضایی با اضلاع نامنظم به‌مساحت ۱۰ متر مربع و پوشش چهارگرده‌پوش است. بخش دوم، ۵۰ سانتی‌متر از سطح عمومی بخش اول پایین‌تر است و به‌صورت دستکند طراحی شده است. قسمت انتهایی این بخش با دهانه‌ای به‌عرض ۱/۹۶ متر به تالار میانی دسترسی دارد که ۳۵ سانتی‌متر نیز از سطح تالار میانی بالاتر است.

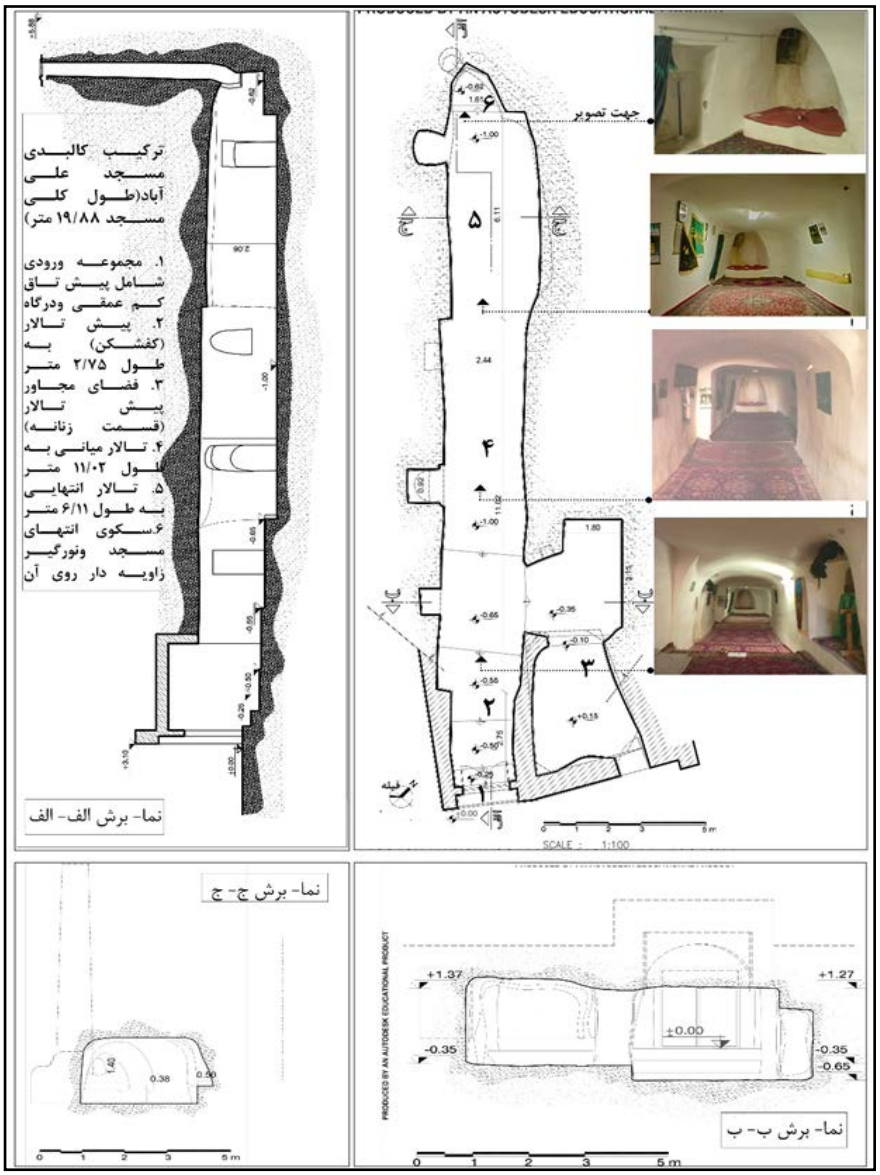

نقشه ۷. ارزیابی ترکیب کالبدی مسجد علی‌آباد براساس پلان و سه نما-برش (نگارندگان).◄

تالار میانی: بعد از پیش تالار، تالار میانی به‌طول ۱۱/۰۲ متر قرار دارد. این تالار ۵۰ سانتی‌متر از سطح پیش‌تالار پایین‌تر است. عرض این تالار بین ۲/۴۰ متر و ۲/۵۵ متر متغیّر است.

تالار انتهایی: بعد از تالار میانی با یک خمیدگی تالار انتهایی به‌طول ۶/۱۱ متر شروع می‌شود. در بدنه‌ی سمت راست تالار و از ابتدا تا میانه‌ی آن فرورفتگی سکومانندی به‌ارتفاع ۳۴ سانتی‌متر و به‌طول ۳/۲۷ متر قرار دارد (نقشه ۷).

سکوی متمایز شده در تالار انتهایی و نورگیر زاویه‌دار روی آن: در انتهای بنا سکویی به‌مساحت ۱/۶۸ متر واقع‌شده که ۳۸ سانتی‌متر از سطح تالار بالاتر است. این سکو دارای شکلی نامنظم بوده و ۱/۴۰ مترعمق دارد. در ضلع غربی سکو در ارتفاع ۱ متری از کف آن شکستی به‌عرض ۴۰ سانتی‌متر مشاهده می‌شود که از بالای آن نورگیری به‌سمت شرق با قطر ۸۰ سانتی‌متر و تا سطح زمین به‌عمق ۴/۷۵ متر امتداد دارد (نقشه

۷). این فرم نورگیر، به‌طور غیر مستقیم نور را به بنا وارد می‌کند. درحال حاضر، قسمت بالایی واصلی نورگیر در سطح زمین با تیغه‌ای آجری پوشانده شده و از ضلع مجاور آن روزنه‌ای کوچک باز گذاشته شده است.

مسجد مصلّی

این مسجد زیرزمینی بخشی از مسجد بزرگتری بوده است که امروزه تخریب شده است. مسجد ۲۲ متر مربع مساحت دارد و با معماری دست‌کند دردل خاک قرار گرفته است. فضاهای تشکیل‌دهنده‌ی مسجد مصلّی عبارتند از:

دالان: دالان ۲/۰۶ متر طول دارد که با ۳ پله‌ی ۲۰ سانتی‌متری به ورودی هشتی منتهی می‌شود. پوشش دالان نیز تاق‌آهنگ است.

هشتی: ابتدا در دل خاک کنده شده و سپس جرزها و پوشش آن با آجر ساخته می‌شود. این فضا دارای ۱۱/۵۰ متر مربع مساحت است و به‌نظر می‌رسد که نقش فضای واسط و مکث بین فضای بیرونی و محل اقامه‌ی نماز را به عهده دارد. در طرفین هشتی، ۶ سکو در تراز ۳۰ سانتی‌متری از کف گِرداگِرد بخش میانی قرار دارد که توانسته فضاهایی تفکیک شده را به‌وجود آورد. پوشش هشتی کلنبوی آجری است. دیوارها با اندود گچ سفید پوشانده شده‌اند و کف‌سازی نیز با آجر ختایی صورت‌گرفته است.

فضای اقامه‌ی نماز: در داخل ضلع روبه قبله‌ی هشتی در تراز ۲۰ سانتی‌متری از کف هشتی، درگاه فضای دستکند اقامه‌ی نماز به‌عرض ۶۵ سانتی‌متر قرار دارد. این فضا با مساحت ۸/۳۵ متر مربع تمامی سطوح دستکند داخلی آن گچ سفید اندود است. در انتهای این اتاق نورگیری در سقف به قطر ۳۴ سانتی‌متر و عمق ۲/۹۲ متر تا سطح زمین کنده شده است (نقشه ۸).

شناخت کالبدی-معماری بناهای دستکند مذهبی در منطقه‌ی شمال غرب ایران

مسجد قدمگاه آذرشهر

مسجد دست‌کند قدمگاه در دویست متری گورستان تاریخی قدمگاه، یک کیلومتری دهکده بادامیار و در جنوب شرقی آذرشهر (استان آذربایجان شرقی)، واقع‌شده است. بعد از ورودی و پیش‌تالار به ابعاد ۲/۵ ×۱/۷ متر، تالار ابتدایی به‌طول ۷/۸۰ متر و عرض ۱/۶۰ متر کنده شده است. تالار میانی دارای ابعاد ۴×۳/۵ متر می‌باشد. تالار انتهایی توسط پله‌ای به‌عرض ۶۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۳۰ سانتی‌متر از تالار میانی متمایز شده است. این تالار مخروطی‌شکل، قطر قاعده‌ی آن بین ۱۵ تا ۱۵/۷۰ متر متغیر است. ارتفاع مخروط ۱۳/۳۰ متر و قطر دهانه‌ی نورگیر بالای آن ۱۵ سانتی‌متر است... محراب این قسمت در بدنه‌ی سمت راست راهروی ورودی، متشکل از یک قاب مستطیل‌شکل است که درون آن یک قوس تیزه‌دار و سه فرورفتگی به‌شکل مقرنس کنده شده است (ورجاوند، ۱۳۵۳: ۷).

اثر دستکند مذهبی دهکده‌ی اباذر نیر

این اثر جزو یکی از ۱۳ نمونه‌ی دستکند دهکده‌ی صخره‌ای اباذر محسوب می‌شود.

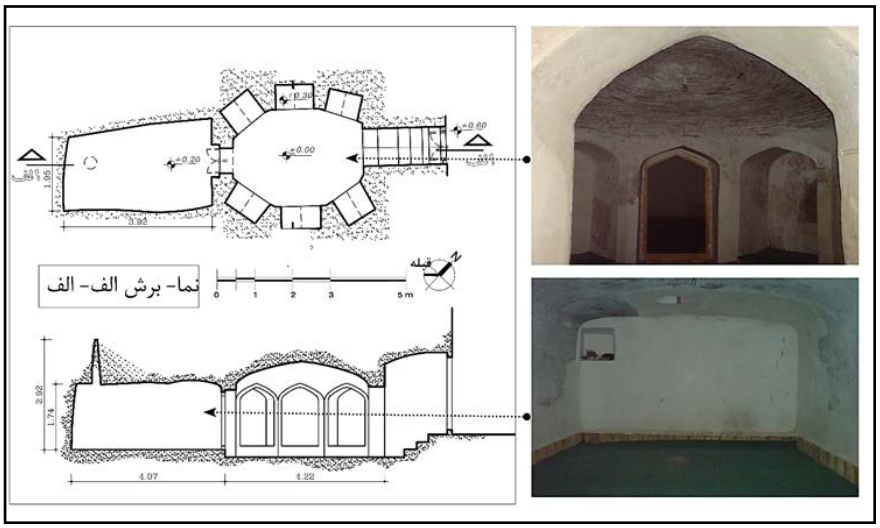

نقشه ۸. ارزیابی مسجد مصلی براساس پلان و یک نما-برش (نگارندگان). ◄

این دهکده در حدود ۹ کیلومتری جنوب شهرستان نیر از استان اردبیل واقع‌شده است. دستکند فوق با ۲۲ متر طول، سه فضای آن در امتداد هم بوده و گسترش آن‌ها شمالی- جنوبی است. یک اتاق مستطیل‌شکل نیز در ضلع غربی تالار مدور میانی قرار دارد. بعد از ورودی، تالار ابتدایی به‌طول ۷ متر و عرض ۳/۵ متر کنده شده است. توسط میان فضایی به‌طول ۲/۳۷ متر ارتباط با تالار مدور میانی گنبددار برقرار می‌گردد. بعد از تالار میانی و عبور از یک میان فضای ۲ متری تالار انتهایی با گنبدی بزرگتر از تالار میانی واقع‌شده است (نقشه ۹). در نمای داخلی فضاها تاقچه‌هایی با قوس‌های مدور کَنده شده‌اند. در تالار انتهایی سکویی به‌عرض ۶۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۷۰ سانتی‌متر از پیرامون متمایز شده است. از این سکو امروزه بخشی از آن باقی‌مانده است (میرفتاح و شکاری نیری، ۱۳۷۵: ۷۴).

امامزاده معصوم ورجووی

این اثر در کناره ورجووی و در محوطه‌ی گورستان کهن آن که حدود شش کیلومتر با مراغه فاصله دارد، به‌گونه‌ای هنرمندانه در زیرزمین کنده شده است و به‌نام «امامزاده معصوم» نیز معروف است. ستایشگاه ورجووی از چهار واحد مختلف تشکیل‌یافته که عبارتند از: ۱- قسمت ورودی، ۲- تالار مستطیل‌شکل بزرگ، ۳- اطاق مدور سمت راست، ۴- تالار مدور. این تالار مدور از ورودی و تالار مرکزی و اتاق‌های مدور گنبدی که در اطراف تالار پلان چلیپا را ایجاد می‌نمایند، تشکیل‌شده و تالار مربع‌شکلی به ابعاد ۱۰×۱۰ متر دارد که یک ستون هشت‌گوش در وسط آن قرار دارد (نقشه ۱۰). گنبد محرابه‌ی آن دارای قطاربندی و نقوش هندسی و گره‌چینی است که مربوط به قرون هفتم و هشتم هـ.ق. می‌باشد. سقف اطاق شماره‌ی ۳ واقع در سمت راست تالار مستطیل‌شکل و تالار پشت آن هر دو در سنگ ایجاد شده، ولی وسط سقف اطاق شماره‌ی ۴ که محل اصلی امامزاده می‌باشد، به‌علت نازک بودن، پوسته‌ی سطح زمین فرو ریخته و به‌جای آن یک گنبد کم‌خیز عرقچین با آجر بر پا کرده‌اند. وضع سقف آن به‌خوبی نشان می‌دهد که پیش از ویرانی قسمت وسط، گنبدی به‌صورت مخروط کم‌ارتفاع داشته است (آزاد، ۱۳۸۳: ۵۷).

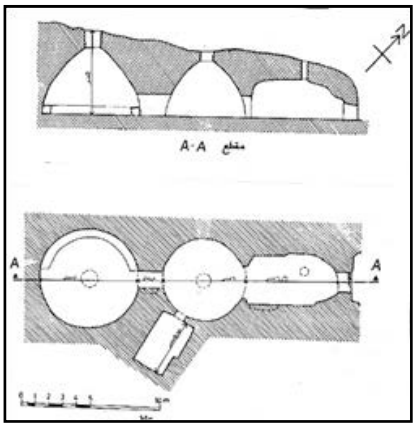

▲ نقشه ۹. ارزیابی نیایشگاه اباذر نیر براساس پلان و نما-برش (میرفتاح و شکاری‌نیری، ۱۳۷۵: ۷۴).

تحلیل تطبیقی-مقایسه‌ای فرم خاص معماری دستکند مذهبی در منطقه مرکزی ایران با شمال‌غرب

وجوه شباهت و اشتراک

الف. گونه‌ی معماری دستکند: معماری دست‌کند به‌کار رفته در آثار این دو منطقه ازلحاظ چگونگی قرارگیری در بستر، در گونه‌ی فضاهای زیر زمینی و فاقد نمود خارجی در سطح زمین تقسیم‌بندی می‌گردد. ورود به آن‌ها در سطح زمین، عموماً توسط پله یا سطح شیب‌داری صورت می‌گیرد. فضاها تاریک و راز گونه‌اند و نورگیری نیز برعهده‌ی روزنه‌ای تعبیه شده در سقف است.

ب. ساختار کالبدی-ادراکی: بررسی ساختار شکلی‌فضایی در معماری را می‌توان جزئی از مطالعات نظام‌مند یا سیستماتیک دانست. معماری به‌عنوان یک کل یا یک سیستم، اجزایی دارد که در این میان، توده و فضا و نحوه‌ی ارتباطی آن‌ها با یکدیگر، به‌صورت تحلیل‌های شکلی فضایی، بیشتر مورد نقد و بررسی متخصصان بوده است (فلاحت و شهیدی، ۱۳۹۴: ۲۹). درک ویژگی‌های معماری و درک اجزای نظام‌مند معماریِ این فضاها منوط به درک کلی این ویژگی‌های شکلی‌فضایی (توده و فضا) و نحوه‌ی ارتباطی آنان است که ساختارهای کالبدی‌ادراکی و کالبدی‌عملکردی را قابل‌درک می‌سازد. این ساختارها، درواقع بن‌مایه‌ی معماری و مبادی تجلی مکان شناخته می‌شود؛ چراکه نظام توده‌فضا ساخت‌مایه و ایده‌ی معماری را شامل شده و ایده‌ی معماری به واسطه ساختارهای مذکور به‌واقعیت عینی تبدیل می‌شود. در راستای بیان اشتراکات این نوع معماری در آثار دو منطقه، بررسی و تحلیل تطبیقی مقایسه‌ای در قالب ساختار کالبدی-ادراکی و در چارچوب مؤلفه‌های الگوی شکلی-فضایی، گردش حرکتی، چیدمان فضاها در سلسله‌مراتب کالبدی-فضایی و نفوذپذیری و میزان دسترسی انجام می‌گیرد.

- **الگوی شکلی‌فضایی:** الگوی شکلی-فضایی این فرم خاص معماری دستکند به‌صورت خطی می‌باشد. فضاهای آن در امتداد محور طولی در قالب یک ردیف به‌صورت متوالی و تکرار شونده قرار گرفته‌اند (تصویر۱). در این فرم خطی رشته‌ای از واحدهای آرایش‌یافته به‌وسیله‌ی یک مسیر حرکتی مجزا و مشخص سازماندهی می‌گردد. در نمونه‌های مسجد مصلی بافران، مسجد قدمگاه آذر شهر، مسجد سرکوچه (تصویر۲) و مسجد جامع بافران این واحدها در ارتباط مستقیم با یکدیگر چیدمان یافته‌اند و در نمونه‌های اباذرنیر، امامزاده معصوم ورجووی، مسجد علی‌آباد، علاوه‌بر ارتباط مستقیم، از طریق یک فضای خطی مجزا و متمایز و در مجاورت هم نیز به یکدیگر مرتبط می‌شوند (تصویر۳).

- **گردش حرکتی:** گردش حرکتی در این فرم منطبق بر محور اصلی بنا بوده و از الگوی خطی پیروی کرده و در راستای طول خود رشته‌ای از فضاها را که ازلحاظ اندازه و عملکرد متمایز هستند؛ ساماندهی کرده است. پس از ورود به پیش‌تالار، حرکت به‌سمت تالار میانی هدایت می‌شود و سیر حرکتی به فضای اصلی در انتهای محور طولیِ ترکیب مجموعه پایان می‌پذیرد (تصویر۴). حرکت به‌سمت فضاهای جانبی مجاور نیز از طریق تالار میانی میسّر است.

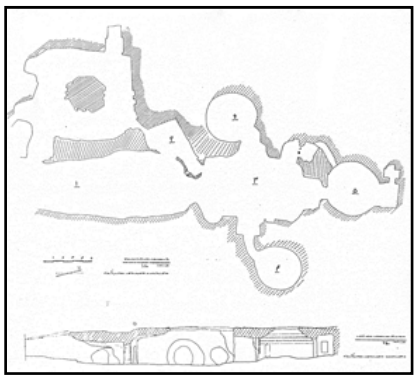

▲ نقشه ۱۰. ارزیابی کالبدی امامزاده معصوم ورجووی براساس پلان (آزاد، ۱۳۸۳: ۵۷).

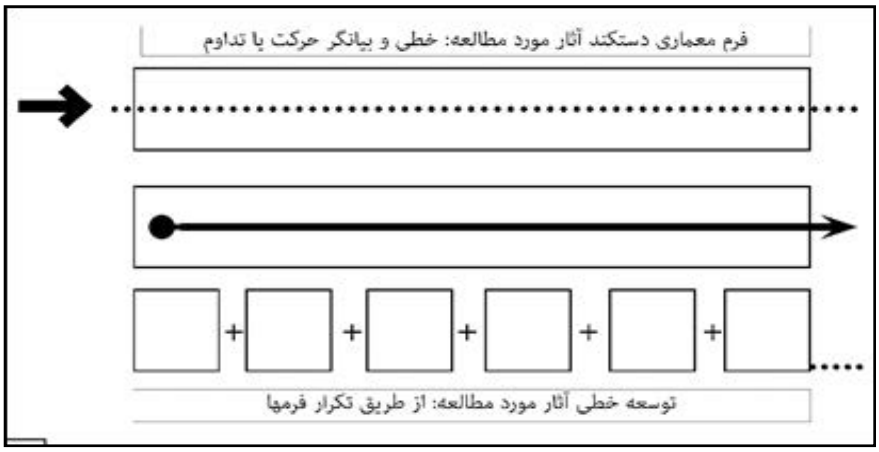

تصویر ۱. دیاگرام الگوی شکلی-فضایی آثار مورد مطالعه (نگارندگان). ◄

▲ تصویر ۲. تالار میانی در محل اتصال با تالار انتهایی در بخش زیرزمینی مسجد سرکوچه‌ی محمدیه (نگارندگان).

- چیدمان فضاها در سلسله مراتب کالبدی: اصل سلسله‌مراتب تأکید بر این دارد که در همه‌ی ترکیبات معماری اختلافات حقیقی بین فرم و فضا وجود دارد. این اختلافات انعکاس‌دهنده‌ی میزان اهمیت این فضاها و فرم‌ها و هم‌چنین نقش‌های عملکردی، متعارف و نمادینی است که آن‌ها در سازماندهی ایفا می‌کنند. برای این‌که فرم یا فضا به‌عنوان بخشی مهم و قابل‌اهمیت در یک سازمان‌دهی تفکیک گردد، باید آشکارا منحصربه‌فرد باشد (چینگ، ۱۳۸۸: ۳۸۵). این تأکید بصری بر اهمیت یک فضا در معماری آثار دستکند مورد مطالعه از طریق تمایز آشکار شکل با دیگر عناصر و از سویی با جای‌گیری در نقطه‌ی پایانی ساماندهی محوری، توجه را به‌خود جلب کرده و می‌توان گفت به‌برجسته‌ترین عنصر ترکیب تبدیل شده است. انتهایی‌ترین فضا همان‌گونه که در مسجد علی‌آباد و اباذر نیز مشاهده می‌شود؛ توسط سکویی از فضای قبلی خود ارتفاع یافته است، یا در دیگر نمونه‌ها، مانند امامزاده معصوم، قدمگاه آذرشهر با چند پله این تمایز صورت می‌گیرد (تصویر ۵)؛ هم‌چنین این فضا اغلب دارای بیشترین نورگیری در مجموعه‌ی بنا است که در بنای علی‌آباد، نور به‌طور غیرمستقیم توسط نورگیری که تا سطح زمین امتداد دارد، به آن وارد می‌شود (تصویر ۶). در مسجد مصلّی فضای اقامه‌ی نماز توسط پله از هشتی متمایز شده و نورگیری بر بالای سقف آن تعبیه شده است.

- نفوذ پذیری و میزان دسترسی: نفوذپذیری هر یک از فضاها در این آثار از الگوی تقریباً یکسانی پیروی می‌کند که ناشی از مشابهت در سازماندهی و سلسله‌مراتب فضایی است. در ساختار معماری آن‌ها، فضاهایی که ازلحاظ عملکردی دارای اهمیت می‌باشند؛ توسط محل قرارگیری، در انتهای توالی فضایی، علاوه‌بر فرم و اندازه‌ای متفاوت با درجه‌ی نفوذپذیری پایین بر اهمیت‌شان تأکید شده است. درحالی‌که کف‌شکن یا پیش‌تالار بلافاصله پس از ورود به بنا قابل دسترسی است، تالار میانی پس از عبور از پیش‌تالار امکان‌پذیر است و فضای انتهایی نیز پس از گذر از تالار میانی در دسترس قرار می‌گیرد. بدین‌ترتیب فضای انتهایی این فرم، از پایین‌ترین درجه‌ی نفوذپذیری برخوردار است که این امر ناشی از اهمیت بالای این فضا است. چنان‌که در فضای زیرین مسجد جامع نایین دسترسی مستقیم به بخش چلیپایی آن وجود ندارد و بعد از ورودی و پلکان (تصویر ۸)، فضایی جانبی هم‌راستا با این بخش قرار گرفته است؛ سپس ورود به جایگاه اصلی در میانه‌ی این فضا، غیر مستقیم و با انحراف صورت می‌گیرد (نقشه ۱۱).

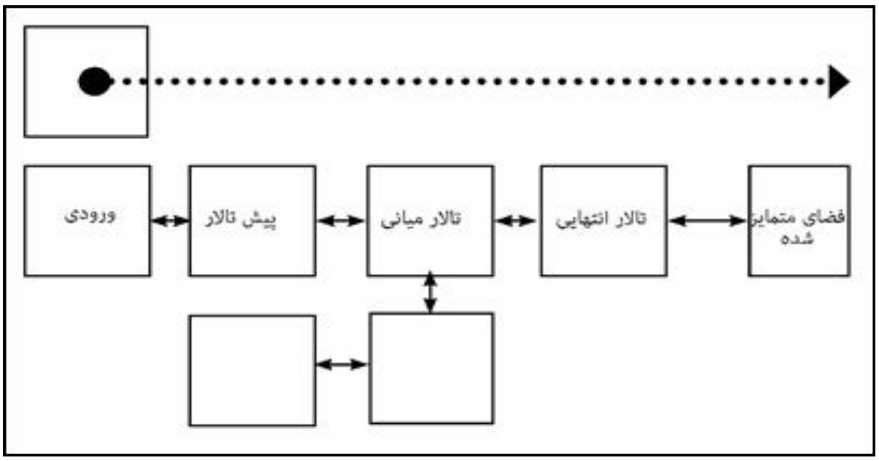

◄تصویر ۳. دیاگرام گردش حرکتی در مسجد علی‌آباد (نگارندگان).

▲تصویر ۴. میان فضای اتصال‌دهنده‌ی تالار میانی با تالار گنبددار انتهایی در مسجد قدمگاه آذرشهر (نگارندگان).

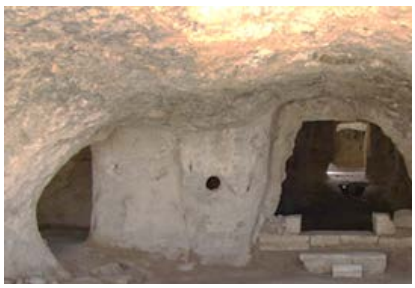

▲تصویر ۵. میان فضای متمایز شده از پیرامون در محل اتصال با تالار انتهایی امامزاده معصوم ورجووی (نگارندگان).

▲تصویر ۶. جایگاه متمایز شده و نورگیر روی آن در انتهای توالی فضایی مسجد علی‌آباد بافران نایین (نگارندگان).

وجه افتراق

الف. فضاهای الحاقی: تداوم زمانی استفاده از این نوع معماری در آثار نیایشگاهی را در کنار سایر عوامل، می‌توان باتوجه به‌ویژگی‌های خاص مترتّب بر آن، در قالب جواب‌گو بودن به نیازهای استفاده کنندگان از آن، ارزیابی کرد؛ چنان‌که به‌دلیل شرایط مطلوب دمایی ایجاد شده توسط این فضاها تا قبل از پدیدار شدن وسایل الکتریکی سرمایش و گرمایش همچنان مورد استفاده کاربران بوده‌اند. در آثار منطقه‌ی مرکزی، دو دستکند زیرزمینی مستقلِ مسجد علی‌آباد و مصلی، مانند سه اثر منطقه‌ی شمال‌غرب، فاقد فضاهای الحاقی در دوره‌های بعدی می‌باشند و شکل اصیل اولیه‌ی خود را تا حد زیادی حفظ کرده‌اند[۶]. این درحالی‌ست که در ۴ اثر دیگر مطالعه‌شده در منطقه‌ی مرکزی، این فضاهای زیرزمینی در مجموعه‌ی مسجد به‌همراه سایر اندام‌ها، بخشی از فضاهای کالبدی آن به‌شمار می‌آیند و در دوره‌های مختلف دچار تغییر و تحولات کالبدی شده‌اند. یک فرم معماری توسط الحاق عناصری به‌حجم اولیه‌اش می‌تواند تغییرشکل دهد. ماهیت فرآیند الحاق، تعداد و ابعاد نسبی عناصر افزوده شده به حجم اصلی، معین خواهد کرد که هویت فرم اولیه‌ی حفظ‌شده یا تغییر پیدا کرده است. یک بخش الحاقی توسط مرتبط‌سازی یا الصاق فیزیکی یک یا چند فرم فرعی به حجم اصلی ایجاد می‌شود و به‌منظور رشد و ممزوج شدن با فرم اصلی دارای هویت معینی می‌گردد. این فرم‌ها می‌توانند از یکدیگر جدا بوده و به‌وسیله‌ی عناصر سومی به‌عنوان فضای واسط به‌یکدیگر متصل گردند (چینگ، ۱۳۸۸: ۵۹-۵۸). در تغییر و تحولات قابل شناسایی و مطالعه در این آثار دستکند، فرآیند الحاق با شکل کالبدی متمایز و هم‌چنین الگوی متفاوت ساماندهی فضایی، درعین ممزوج شدن این فرم‌ها با یکدیگر، بدون خدشه به

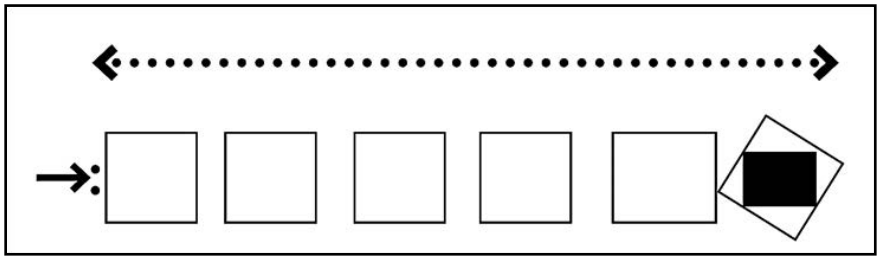

◄ تصویر ۷. دیاگرام چیدمان فضایی سلسله‌مراتب کالبدی در فرم معماری دستکند آثار مطالعه شده و تأکید بر اهمیت فضای انتهایی ساماندهی کالبدی (نگارندگان).

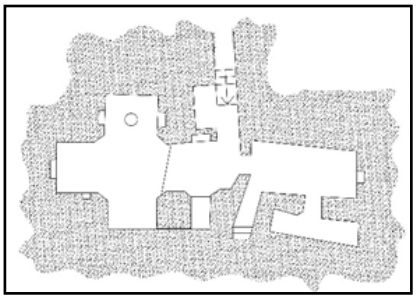

▲ نقشه ۱۱. نفوذپذیری و میزان دسترسی در بخش با طرح چلیپایی و ورودی مستقل فضای زیرین مسجد جامع نایین (نگارندگان).

▲ تصویر ۸. فضای داخلی بخش چلیپایی مسجد جامع نایین (نگارندگان).

فرم اولیه و با هویت مشخص و معینِ فرم‌های الحاقی، صورت‌گرفته است. عناصر واسطی (راهرو، پلکان و...) اتصال فرم اصلی با الحاقات را برقرار می‌کند (جدول ۱). در ۳ مسجد، بخشی دست‌کند و متفاوت به‌صورت هم‌راستا به فضای اولیه‌ی زیرزمینی الحاق شده و در یک مسجد نیز شبستانی دستکند با ساختار کالبدی متفاوت در تراز بالاتری از فضای اولیه‌ی زیرزمینی طراحی می‌شود. فضایی هشت‌ضلعی با تاق کلمبو (مشابه شبستان زیرزمینی مسجد جامع محمدیه) در بخش زیرزمینی مسجد جامع بافران و دالانی متوالی و منفرد در مسجد سرکوچه‌ی محمدیه، بدون میان‌فضا از الحاقات بخش‌های زیرزمینی این دو مسجد به‌شمار می‌روند. ساختار کالبدی بخش الحاقی به بخش چلیپایی‌شکل، در مسجد جامع نایین شبستانی کشیده و دستکند، برخلاف جهت قبله می‌باشد که غرفه‌هایی در طرفینِ ستون‌های میانی آن واقع‌شده‌اند. دو ورودی مجزای این بخش (زنانه و مردانه) به‌همراه ورودی مسدود شده‌ی فعلیِ بخش چلیپایی‌شکل ورودی‌های این فضای زیرین را تشکیل می‌دهند. این الگو در شبستان زیرزمینی مساجد جامع نیستانک و هم‌چنین شبستان زیرزمینی مسجد باباعبدالله از آثار قرن هفتم (نقشه ۷) نیز به‌کار برده شده است. در مسجد جامع نیستانک برروی فضای نیایشگاهی اولیه، در قرن هفتم شبستانی زیرزمینی در جهت محور قبله (مشابه مسجد جامع نایین) با طرحی متفاوت ساخته شده و شبستان شمالی مسجد برروی این شبستان طراحی می‌گردد. در پژوهش حاضر و در تحلیل مقایسه‌ای-تطبیقی سه اثر دستکند شمال‌غرب با این چهار نمونه‌ی منطقه‌ی مرکزی، فرم بخش‌های شبستان زیرزمینی ستون‌دار در مساجد جامع نایین و نیستانک، بخشِ با الگوی متمرکز با تاق کلمبو در مسجد جامع بافران و بخش منفردِ مسجد سرکوچه‌ی محمدیه مبنا قرار نگرفته است. مبنای این تحلیل‌ها صرفاً فرم بخشِ متفاوت با این فرم‌های الحاقی، در مسجد جامع نایین فضای چلیپایی‌شکل، در مساجد جامع بافران و سرکوچه‌ی محمدیه فضاهای آرایش‌یافته در امتداد یک محور طولی، می‌باشد (جدول ۲).

ب. فرم داخلی: تعیین تاریخ فضاهای معماری که به‌طور معمول و به‌روش‌های گوناگون صورت می‌گیرد، درباره‌ی این نوع معماری پاسخ‌گو نیست و تعیین زمان با تخمین و احتمال همراه است. در بسیاری از موارد تکنیک ساخت و فضاسازی در طول تاریخ استمرار داشته است؛ لذا تشخیص و تعیین تاریخ، کاری بس دشوار تلقی می‌شود. در برخی موارد کاوش و پژوهش باستان‌شناسی به‌روشن شدن موضوع کمک خواهد کرد. عمده معماری دست‌کند نایین در جاهایی پدید آمده‌اند که کهن‌ترین استقرارها در آن محدوده‌ها واقع است و به‌نوعی هسته‌ی اولیه‌ی هر سکونتگاه محسوب می‌گردند، (مانند: مساجد علی‌آباد، مسجد سرکوچه، مسجد جامع نیستانک)؛ لذا معماری دست‌کند باتوجه به‌موقعیت یادشده و سادگی و امکان تأمین امنیت و استفاده کم‌زحمت از اقلیم برای انسان فاقد امکانات تمدنی، در کنار دیگر فناوری‌ها و روش‌های معماری، می‌تواند از نخستین معماری پدید آمده در هر محدوده تلقی گردد. کاوش‌های باستان‌شناختی در مجموعه‌هایی که دارای لایه‌های تاریخی در کف فضاها هستند، کمک می‌کند تا بتوان از فضاهای مجموعه، آثار و شواهدی جهت ارائه‌ی گاهنگاری مطلق و نسبی (نمونه‌ی کربن ۱۴، یافته‌های سفالی) تهیه نمود و به دوره‌های زمانی استفاده از آن‌ها پی‌برد؛ از سوی دیگر، می‌توان با استفاده از شواهد معماری (به‌خصوص در نوع پوشش‌ها، سقف

فضاها، تزیینات معماری) به‌طور تقریبی به دوره‌های زمانی آن پی‌برد. در آثار معماری صخره‌ای تا دوران هخامنشی سطوح مسطح و راست‌گوشه بدون خطوط منحنی در درگاه‌ها و پوشش سقف‌هاست، اما در دوره‌ی اشکانی این پوشش‌ها به‌شکل بیزو خمیده تبدیل شده‌اند (محمدی‌فر و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۵: ۱۰۹). در این گونه‌ی معماری دست‌کند نیایشی استفاده شده در دو منطقه‌ی متفاوت جغرافیایی به‌لحاظ فرم فضای داخلی تفاوت‌هایی دیده می‌شود. این افتراق را تاحدودی می‌توان به‌تفاوت در نوع بافت، ساختار زمین‌شناسی دو منطقه از سویی و زمان ایجاد و احتمالاً نوع کاربری نسبت داد. فرم داخلی این آثار به‌صورت دالانی دست‌کند است که فاقد نمود خارجی بوده و تنها ورودی آن‌ها در سطح زمین مشخص می‌باشد. سه اثر منطقه‌ی شمال‌غرب دارای پلانی مدوّر و فضای گنبدی‌شکل با خطوط منحنی هستند؛ درحالی‌که در آثار منطقه‌ی مرکزی، پلانی مستطیل‌شکل با فرم و فضای مسطّح و راست‌گوشه استفاده شده است (جدول ۲).

نتیجه‌گیری

معماری دست‌کند مذهبی در نیایشگاه‌ها، یکی از گونه‌های این نوع معماری محسوب می‌شود که در زمان‌های مختلف تاریخی مورد استفاده بوده است. در نقاط مختلفی از قلمرو جغرافیایی ایران، این نوع معماری به‌کار گرفته شده است. براساس مطالعات و بررسی‌های تطبیقی-مقایسه‌ای انجام شده در پژوهش حاضر، آشکار شد که بین سه اثر دست‌کند قدمگاه آذرشهر، امامزاده معصوم ورجووی ونیایشگاه اباذر نیر در منطقه‌ی شمال‌غرب با آثار دست‌کند منطقه‌ی مرکزی ایران در شهرستان نایین، شامل مساجد علی‌آباد و مصلی و فضای زیرزمینی مسجد جامع در شهر بافران، بخش زیرین مسجد جامع نایین در شهر نایین، فضای زیرین مسجد سرکوچه در روستای محمدیه، بخش زیرین مسجد جامع نیستانک در شهر نیستانک، شاخصه‌های مشترکی وجود دارد که می‌توان قائل به یک نوع معماری خاص دست‌کند مذهبی در فضاهای نیایشگاهی این دو منطقه بود. معماری دست‌کند آن‌ها در گونه‌ی فضاهای زیرزمینی که فاقد نمود خارجی بوده و تنها ورودی آن‌ها در سطح زمین مشخص است، تقسیم‌بندی می‌شود. الگوی شکلی‌فضایی، گردش حرکتی، سلسله‌مراتب فضایی-کالبدی و نفوذپذیری و میزان دسترسی از مؤلفه‌های مشترک در ساختار کالبدی-ادراکی و کالبدی-عملکردیِ فرم معماری به‌کار گرفته شده در این آثار محسوب می‌گردد. چیدمان فضایی این آثار در امتداد محور طولی‌ست که در قالب یک ردیف به‌صورت متوالی و تکرارشونده قرار گرفته‌اند. گردش حرکتی در این فرم، منطبق بر محور اصلی بنا بوده و از الگوی خطی پیروی کرده و در راستای طول خود رشته‌ای از فضاها را که از لحاظ اندازه و عملکرد متمایز هستند؛ ساماندهی کرده است. تأکید بر اهمیت فضا در این فرم معماری، در انتهای چیدمان سلسله‌مراتب فضایی-کالبدی انجام می‌گیرد. در مسجد جامع نایین، مسجد جامع نیستانک و امامزاده معصوم ورجووی با ایجاد کمترین درجه‌ی نفوذپذیری این تأکید بر فضا صورت‌گرفته است. در نمونه‌های اباذر نیر و مسجد علی‌آباد، توسط سکوی انتهایی ترکیب مجموعه، در قدمگاه آذرشهر و مسجد مصلی با چند پله در محل اتصال تالار میانی با تالار انتهایی و درمسجد سرکوچه با تاق‌های پایین‌تر، تأکید بر نقش و اهمیت فضای انتهایی بیان شده است. وجه افتراق این آثار را می‌توان در فرم داخلی به‌کار گرفته شده

جدول ۲. تحلیل تطبیقی و بررسی مقایسه‌ای آثار دستکند مذهبی در دو منطقه‌ی مرکزی ایران و منطقه‌ی شمال‌غربی (نگارندگان)

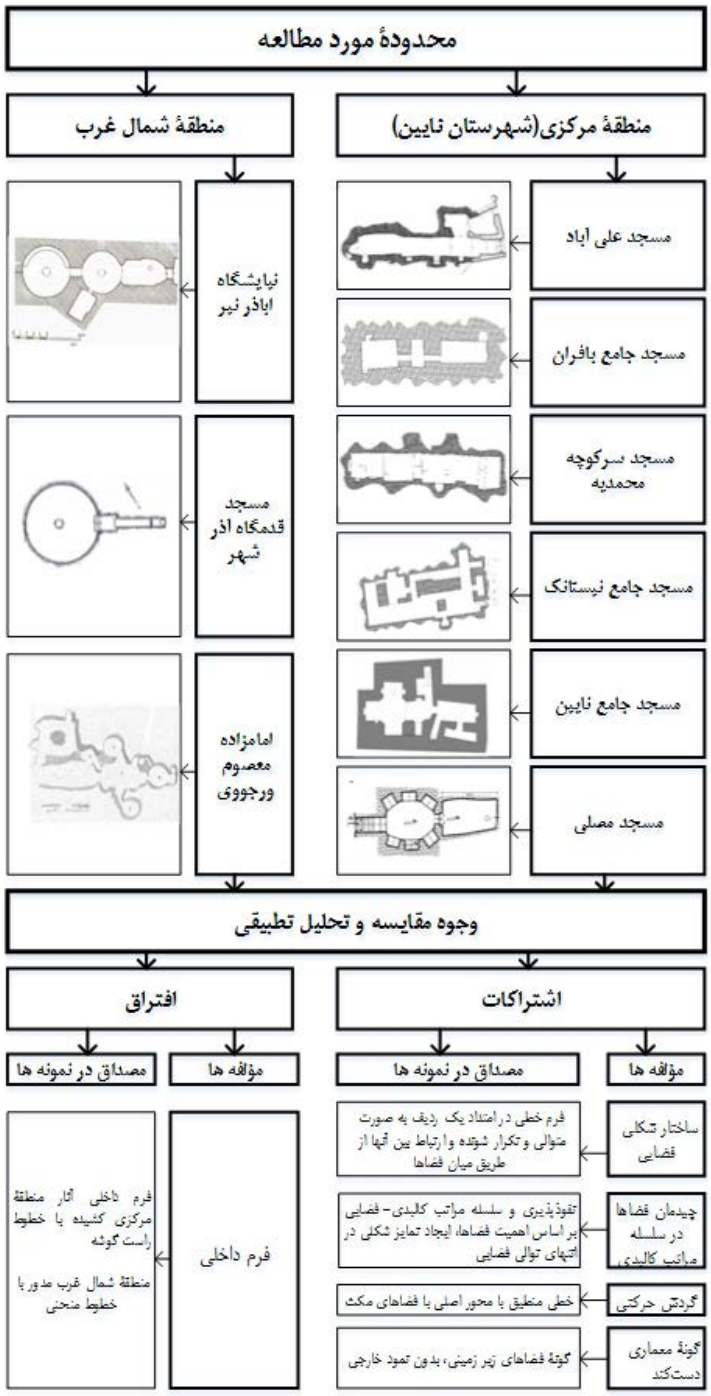

درآن‌ها ارزیابی کرد. سه اثر منطقه‌ی شمال‌غرب دارای پلانی مدوّر و فضای گنبدی‌شکل با خطوط منحنی هستند؛ درحالی‌که در آثار منطقه‌ی مرکزی پلانی مستطیل‌شکل با فرم و فضای مسطّح و راست‌گوشه استفاده شده است. انجام کاوش‌های باستان‌شناسی به‌همراه مطالعه و بررسی برروی داده‌های به‌دست آمده اطلاعات جدیدی را از این آثار فرا چنگ خواهد آورد که به‌شناخت همه‌جانبه‌تر و جامع‌تری از ابعاد مختلف آن‌ها منجر می‌گردد. پژوهش حاضر در نبود داده‌های باستان‌شناسی متقن و کافی در این آثار

دست‌کند نیایشگاهی کوشید که با تحلیل‌های تطبیقی و مقایسه‌ای بین دو منطقه، به تبیین معماری و ساختار شکلی‌فضایی آن‌ها بپردازد تا از این رهگذر گامی در شناخت هر چه بهتر و هم‌چنین حفاظت صحیح این یادگارهای ارزشمند فرهنگی‌تمدنی برداشته شود.

پی نوشت‌ها

۱. برای اطلاعات بیشتر درمورد آثار دستکند در نایین به مقاله‌ی «گونه‌شناسی و تحلیل معماری دستکند در نایین» تألیف نگارندگان این مقاله، منتشر شده در شماره‌ی ۱۶۱ (بهار ۱۳۹۷)، نشریه‌ی *مسکن و محیط روستا* مراجعه شود.

۲. آندره گدار در *هنر ایران* (۱۳۵۸) این مسجد راکه مسقف با استوانه و گنبدی در میان است از نوع ایوان کرخه‌ای می‌داند که شبیه ایوان کرخه، بنایی از زمان ساسانیان و در خوزستان است. این اثر در بیستم خرداد سال ۱۳۲۱ به‌شماره‌ی ۳۵۵ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

۳. غلامرضا فرزانی، مرمت‌کار وقت دفتر فنی سازمان آثار باستانی ایران طی مصاحبه‌ای اظهار داشتند که درموقع مرمت شبستان زیرین مسجد جامع نایین، ورودی و پلکان بخش چلپیایی‌شکل با تیغه‌ای مسدود شده بود؛ هم‌چنین در آوار‌برداری از این قسمت قطعه‌های خیلی ریز سفال نیز به‌دست آمد که تلاش برای دسترسی و مطالعه‌ی آن‌ها به‌جایی نرسید (فرزانی، مصاحبه‌شونده، ۱۳۹۵/۳/۱).

۴. این مسجد در محله‌ی دجله که هسته‌ی اولیه‌ی شهر بافران است، قرار گرفته است. بناهای واقع‌شده در محله‌ی دجله به‌دلیل عبور قنات تاریخی علی‌آباد از این محله، به علی‌آباد مشهور شده‌اند (مانند: حمام، مسجد و قلعه‌ی علی‌آباد). مسجد در کنار حمام علی‌آباد احداث شده است. قنات علی‌آباد در تراز ۲/۶۰ متری از سطح زمین از میان حمام علی‌آباد و سپس از کنار این مسجد گذشته و به‌طرف زمین‌های کشاورزی می‌رود. در گذشته در کنار مسجد توسط پایابی به این قنات دسترسی بوده و از آن استفاده می‌کردند.

۵. دو محراب که به‌نظر می‌رسد از الحاقات دوره‌های بعدی هستند، در مسجد کنده شده است (تصویر ۳). یکی از محراب‌ها در تالار میانی به‌عرض ۱ متر و دیگری در تالار انتهایی به‌عرض ۸۱ سانتی‌متر قرار دارد. فضایی نیز با عمق ۶۴ سانتی‌متر در ابتدای تالار میانی کنده شده که امروزه وسایل صوتی مسجد در آن نگه‌داری می‌شود.

۶. البته در میان آثار دستکند منطقه‌ی شمال‌غرب، میزان تغییر و تحولات کالبدی صورت‌گرفته در نیایشگاه ورجووی بیشتر از سایر نمونه‌ها است.

کتابنامه

-آزاد، میترا، ۱۳۸۴، «بررسی تحول بناهای مذهبی دوره‌ی ساسانی به بناهای مذهبی قرون اولیه‌ی اسلامی ایران»، راهنما: محمدرضا پورجعفر، رساله‌ی دکتری، تهران: دانشگاه تربیت‌مدرس (منتشر نشده).

-آزاد، میترا، ۱۳۸۳، «نیایشگاه‌های صخره‌ای در ایران»، *کتاب ماه هنر* ۸۳ و ۸۴، صص: ۴۶-۶۲.

- اشرفی، مهناز، ۱۳۹۰؛ «پژوهشی در گونه‌شناسی معماری دستکند»، *نامه‌ی معماری وشهرسازی* (۷)، صص: ۴۷-۲۵.

-احمدی، سعید، ۱۳۷۹؛ «معماری مساجد صخره‌ای در ایران»، مجله‌ی *مسجد*، شماره‌ی ۵۲، صص: ۳۴-۴۶.

-پیرنیا، ۱۳۶۹، *شیوه‌های معماری ایرانی*، تهران: مؤسسه‌ی نشر و هنر اسلامی.

-حاجی‌قاسمی، کامبیر، ۱۳۸۳، *گنجنامه*، دفتر ششم: *مساجد جامع*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

-چینگ، فرانسیس دی. کی. ۱۳۸۸، *معماری: فرم، فضا ونظم*، ترجمه‌ی زهره کوروش‌محمودی و رضا بصیری‌مژدهی، چاپ دوم، ویرایش چهارم، تهران: انتشارت شهراب.

-فلاحت، محمدصادق، و شهیدی، صمد، ۱۳۹۴، «نقش مفهوم توده-فضا در تبیین مکان معماری»، مجله‌ی *باغ‌نظر*، شماره‌ی ۳۵، صص: ۳۸-۲۷.

-فلاری، اس، ۱۳۷۵، «مسجد نایین»، ترجمه‌ی کلود عباسی، مجله‌ی *اثر*، شماره‌ی ۲۲ و ۲۳، صص: ۱۶۶-۱۵۱.
-قوچانی، عبدالله، ۱۳۷۵، «بررسی کتیبه‌های تاریخی مجموعه‌ی نطنز و مسجد جامع نایین»، نشریه‌ی *اثر*، شماره‌ی ۲۶ و ۲۷، صص: ۴۵-۳۷.
- زمرشیدی، حسین، ۱۳۷۴، *مسجد و معماری ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان.
- شجاع‌دل، نادره، و نسیم، علیپور، ۱۳۸۴، «پیشینه‌ی مِهر پرستی و نیایشگاه مِهر ورجووی مراغه»، *تاریخ پژوهی* ۲۴ و ۵۴، صص: ۴۴-۴۴.
-سلطانی‌محمدی، مهدی، ۱۳۹۵، مصاحبه با استاد غلامرضا فرزانی، معمار و مرمتکار بناهای تاریخی منطقه‌ی نایین (منتشر نشده).
-سلطانی‌محمدی، مهدی، ۱۳۹۵، «مطالعه‌ی تحلیلی مجموعه باباعبدالله نایین به‌استناد نویافته‌های مرمتی»، مجله‌ی *مرمت و معماری ایران*، سال ششم، شماره‌ی ۱۱، صص: ۵۱-۶۳.
-علی‌اکبریان، سعید، صدقی‌تبار، صدف، ۱۳۸۵، گزارش ثبتی مسجد جامع نیستانک، اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان اصفهان (منتشر نشده).
-لباف‌خانیکی، میثم، ۱۳۹۱، «تحلیل تطبیقی یک فرم خاص در معماری دستکند مهرابه‌های ایرانی و میترانیوم‌های رومی»، مجله‌ی *اثر*، شماره‌ی ۵۸، صص: ۹۳-۱۰۸.
-کریمی، خاطره (بی تا)، «گزارش مرمتی تعمیرات بناهای تاریخی نایین از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۸۴»، مرکز اسناد اداره‌ی میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان اصفهان.
-گدار، آندره، ۱۳۵۷، *هنر ایران*، ترجمه‌ی بهروز حبیبی، تهران: دانشگاه ملی.
- میر فتاح، علی‌اصغر، و شکاری‌نیری، جواد، ۱۳۷۵، «دهکده‌ی صخره‌ای اباذر»، نشریه‌ی *اثر*، شماره‌ی ۲۶ و ۲۷، صص: ۶۰-۸۵.
-محمدی‌فر، یعقوب، و همتی‌ازندریانی، اسماعیل، ۱۳۹۵، «مطالعه و بررسی معماری دست‌کند در ایران»، نشریه *مسکن و محیط روستا*، شماره‌ی ۱۵۶، صص: ۹۷-۱۱۰.
-ورجاند، پرویز، ۱۳۵۳، «نیایشگاه قدمگاه نشانی از یک معبد مِهر و شاهکاری از معماری صخره‌ای»، *فرهنگ معماری ایران*، شماره‌ی ۲ و ۳، صص: ۴-۱۷.
ورجاوند، پرویز، ۱۳۵۱، «نیایشگاه مِهری یا امامزاده معصوم ورجووی»، *بررسی‌های تاریخی*، شماره‌ی ۴۲، صص: ۸۹-۱۰۰.
-همایون، غلامعلی، ۱۳۵۴، «فلسفه‌ی معماری صخره‌ای و تمرکز در روستای میمند کرمان»، *فرهنگ معماری*، شماره‌ی ۱، صص: ۸۹-۷۷.
-دفتر فنی اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان اصفهان، ۱۳۷۵، «تکمیل گزارش ثبتی مسجد جامع نایین» (منتشر نشده).
- دفتر فنی اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان اصفهان، ۱۳۷۵، «تکمیل گزارش ثبتی مسجد سرکوچه‌ی محمدیه‌ی نایین» (منتشر نشده).
-دفتر فنی اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان اصفهان، ۱۳۸۰، «گزارش ثبتی مسجد جامع بافران» (منتشر نشده).
- دفتر فنی اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان اصفهان، ۱۳۸۱، «گزارش ثبتی مسجد جامع محمدیه» (منتشر نشده).